

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

در مورد وقایعی که این چند روزه بوده، اولاً مهمان‌های ما از شهرستان‌ها خیلی زیادند قدمشان روی چشم ما ولی مهمان‌ها هم که قدمشان را روی چشم ما گذاشتیم به طیب خاطرمان، ملاحظه‌ی چشم ما را بکنند، پایشان را فشار ندهند.

ما همانطوری که صحبت شده، در احقاقِ حَقِّ خودمان یا به اصطلاح در دفاع از خودمان سنگ خارا و مشت آهنی هستیم و در محبت و در دوستی، آب روانیم. تا حالا آب روان را نشان دادیم. بعضی‌ها اشتباه کرده‌اند که ما فقط همینیم ولی نشان داده شد که نه! مشت آهنین ما هم کار می‌کند. زیرا قرآن فرموده است: كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوعٌ (صف، ۴) ولی زیادتر از بنیان، از این مرصوص، مشت آهن هستیم برای دشمن اساسی‌مان ولی برای برادرمان که دشمنی می‌کند، مشت آهنی نداریم، خوشبختانه خودمان را نشان دادیم و بر خود ما هم روشن شد که خداوند نگاه‌دار ما است:

گر نگاه‌دار من آن است که من می‌دانم شیشه را در بغل سنگ نگاه می‌دارد

ما دشمنی که باید نابود بشود، نداریم. همه برادریم و همینقدری که فهماندیم و هر برادری سر جای خودش نشست، دیگر کافی است. در دنیای امروز با موج‌های مختلف، با گرداب‌هایی که دنیا را در برگرفته و تصرف کرده، باید در موقع بنشینیم برای اینکه هیچ دشمنی ما را به حساب خودش نگیرد. الان دنیا برای همه و برای ولایت ما پراز دشمن است و متأسفانه این دشمنی، نه به عنوان دشمنی است، به عنوان دوستی زائد بر حد، دوستی متوقع زائد بر حد، به هر جهت در اینجا هستیم، برای اینکه از وجود ما دشمن‌های اصلی در همه جا هستند، در همه‌ی جمعیت‌ها هم هستند، الحمدلله نشان دادیم که وحدت کامل داریم:

من کیم لیلی و لیلی کیست من مایکی روحیم اندر دو بدن

ما همه‌مان یک روح هستیم، نشان دادیم. حتی آن دیده‌هایی که روح را نمی‌دیدند، فهمیدند که نه، ما یکی هستیم:

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

ولی من شخصاً هم تجربه دارم، دیده‌ام که خیلی‌ها سوءاستفاده می‌کنند. بنابراین من خواهش می‌کنم از دوستان و مسافری و مهمان‌های عزیز که قدمشان روی چشم ما هست و خواهد بود تا هر وقت می‌خواهند، منتها همین ملاحظه را بکنند که پایشان را فشار نیاورند که چشم‌های ما را

ناراحت کنند.

ما نشان دادیم که الحمدلله **أَوَّلًا: أَلْفٌ كَوَاحِدٌ** هستیم، هر واحد ما **وَاحِدٌ كَأَلْفٍ** است. هر نفر ما به هزار نفر می‌ارزد. هزار، این عدد فرضی است. هر نفر ما به هزار نفر می‌ارزد و هر هزار نفر ما یک نفر را. بیعت، محافظ و دوستدار یک نفر هم هست: **وَاحِدٌ كَأَلْفٍ وَ أَلْفٌ كَوَاحِدٍ**.

بنابراین بیش از این خودمان را به زجر می‌اندازیم و طبق هدفمان نیست، هدف ما خدا است، مهربانی، صلح و دوستی با همه. ما هم دوستی داریم اول با دوستی‌های کسانی که از روی جهل، با ما دشمنی می‌کنند، بنابراین از آقایان و خانم‌ها خیلی متشکریم، یک سفری کردید و یک سفری که سفر خیر بود و این را در ثواب خودتان حساب کنید.

ولی آرامش را حفظ کنید، برگردانید به سابق تا ما کارها را رفو کنیم و ان شاء الله همه‌ی خواسته‌های شما برآورده می‌شود و ما هم می‌خواهیم همینطور بشود منتها به ردیف. مثل پارچه‌ی ذیقیمی که اگر یگ گوشه‌اش سائیده شد، آن رفوگر باید در فرصت کافی بدون هیچ مزاحمتی رفو کند و رفو خیلی دیر و مشکل است.

تا جایی که تندی است تندی می‌کنید، وقتی نرمی دیدید، خود نرمی نشان دهنده‌ی این است که آشنا و عالم شده‌اند به اینکه حق با ما است. بدانید حق با علی بود ولی علی هم چه کرد؟ حق با ما است مطمئن باشید، مسلم باشید ولی داشتن حق، مستلزم این نیست که حق را فقط با زور بگیریم. حالا اگر دیگری حق را شناخت، به هر اندازه شناخت، یک قدم پیشرفت ما است.

ان شاء الله دسته‌جمعی از خداوند بخواهیم که خدایا! ما را موفق بدارد در ادامه‌ی حق و اعلای حق. خدایا! ما با بندگان تو هیچگونه دشمنی نداریم، بنده‌ی تو هستیم، مادامی که دشمنی نکنند و با تو دشمن نباشند، خدایا ما با آنها دوستیم، اگر صلحی هم می‌کنیم یا یک قدم برای جنگ برمی‌داریم، اینها همه مصلحت الهی است و مصلحت این حق است. ان شاء الله خداوند بقیه‌ی مشکلات ما را حل خواهد کرد. همینقدر که نشان داده شد که ما با هم هستیم، این مسأله خیلی مهم است، همه چیز را خداوند کمک می‌کند، ان شاء الله.
(برگرفته از گفتارهای عرفانی، شب دوشنبه ۱۳۹۲/۱۲/۱۸)

شعری است می‌گوید:

آدمیزاده طرفه معجونی است کز فرشته سرشته و ز شیطان (حیوان)
از لحاظ ظاهری بدن هم می‌بینیم مثلاً می‌گویند بدن انسان و هر جانداری، به آب نیازمند است. آب سردی است می‌خورد، چای داغ هم می‌خورد، همه‌ی اینها مایع برای او

حساب می‌شود ولی آیا این آب سرد و این چای هر دو یکطور است و بشر به هر دوی اینها به یک جور نگاه می‌کند؟ نه، عملاً می‌بینیم زندگی خودمان است هر دو را بشر تمایل دارد. یک مقداری یک مدتی با مهر و محبت و به اصطلاح ما، با صلح علاقه‌مند است و به صلح رسیدگی می‌کند. همین انسان صلح‌جو گاهی مشت، گره می‌کند و جزئی حرکت مخالفی را سرکوب می‌کند که براندازد.

تشخیص واقعی و صحیح این موارد را خداوند و مصلحت‌اندیشی خداوند می‌داند یعنی هر چه مصلحت دانست که گاهی چای داغ برایش می‌گذارد و گاهی آب یخ.

به همین اندازه هم چون به انسان سَمَتِ خِلافتِ اللّٰه‌ی داده است به هر اندازه که مصلحت بداند این را به این انسان تعلیم می‌کند و این که فرمود: وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا (بقره، ۳۱) یعنی همین صفاتی که برای خلیفه‌الله، ما تشخیص می‌دهیم لازم است، به هر اندازه مصلحت بداند می‌گذارد.

به همین جهت از انواع مختلف حالات و حتی انواع متضاد حالات، از رحم و شفقت و غضب، همه‌ی اینها را آفریده، همه‌ی اینها در مورد بشر مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن عقل الهی می‌کند. مسائل مهم‌تر آن رابطه‌ی اصلی ما که خداوند باشد و توسط نمایندگانی که خودش تعیین کرده و یا نمایندگان آن نمایندگان قرار داده است. ان‌شاءالله خداوند ما را در ذیل سایه‌ی این نمایندگان حفظ کند. هم جسم‌مان و هم روح‌مان را حفظ کند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه ۱۳۹۲/۱۲/۲۳، جلسه برادران ایمانی)

الان گفتم که یک عده‌ای از بهترین جوان‌های ما را گرفته‌اند که اینها سایت مجذوبان نور را درست کرده‌اند. مگر ما بشر نیستیم؟ به اصطلاح آنها می‌گویند: جمعیت درویش، من که می‌گویم درویش که جمع درویش است، اصلاً نباید جمع به‌کار ببرند، درویش‌ها همه یکی هستند. به هر جهت ما یک خرده تحمل کردیم، اذیت کردند گفتند نه، شما نباید خبر داشته باشید. پس چه کار کنیم؟ در همین مملکت باید زندگی کنیم یا برویم بیرون؟ اگر اجازه می‌دهید، سهم همه‌ی ما را از این مملکت که شما می‌گویید صاحبش هستید جدا کنید بدهید ما برویم هر جایی، برویم وسط دریا ولی ما باید در اینجا باشیم. همین که ما را خداوند در اینجا به دنیا آورد، اینجا مال ما است. پس ما که اینجا باید باشیم باید بی‌خبر باشیم؟... از اینجا من ناراحت شدم که این چهار، پنج روزه این همه زحمت و زجر به ما آمد، یک روزنامه یک کلمه نوشت. حالا بگذریم.

ما به هر جهت اهل صلحیم، تا اسلحه‌ای به ما نشان داده نشود که بخواهد حمله کند، اهل صلحیم، دست‌ها بالا ولی به محض اینکه به ما حمله بشود، ما که بندگان خداییم، خداوند خودش می‌داند با بنده‌هایش چه کار کند. به بنده‌هایش هم می‌فرماید که وقتی خطری بود شما هم جنگ

کنید، دعوا کنید.

دراویش هزاران بدن هستند با یک روح، به همین دلیل اگر هم بین آقایان مشایخ اختلاف سلیقه هست یا یک بحثی می‌شود، متفاوت حرف می‌زنند، اینها اختلاف نیست، برای اینکه باید آنها هم علمدار صلح و همدلی باشند و همینطور هستند که البته خدای نکرده، خطا از هر چه بزرگتر باشد مثل این است که کسی از نردبان بیفتد، هر چه در این نردبان بالاتر رفته باشد سقوطش خطرناک‌تر است.

البته ما به هیچ چیز احتیاج نداریم ولی همه‌ی دنیا آزادند مطالبی زائد راجع به ما می‌نویسند، تمام رادیوها و روزنامه‌های دنیا؛ جزایران. باشد!

اگر با فهم و درک رفتار کنیم، روش مان را باید همیشه منظم داشته باشیم، با هم هماهنگ باشیم، فوراً جلوی هر تفرقه‌ای را بگیریم. این است که از اول از یک سلام نکردن یا جواب سلام ندادن باید احتراز کنیم؛ همه‌مان. ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ۱۳۹۲/۱۲/۲۴، جلسه برادران ایمانی)

مَثَلی است مشهور می‌گویند که فیل، زنده و مرده‌اش یکی است یا می‌گویند فیل مرده‌اش هم صد تومان یعنی قیمت دارد. ما حالا به مصداق همین مَثَل، زنده‌مان که اینطوری است و مرده‌مان آقای حایری رحمته‌الله علیه است که نگذاشتند ببرند در مقبره‌ی خانوادگی خودشان در کرمان.

به هر جهت شاهنامه آخرش خوب است. الان یک خرده آن ورق‌های آخر شاهنامه دارد دیده می‌شود که آخرش خوش است. ناراحت نباشید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ۱۳۹۲/۱۲/۲۴، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریف‌پند صلح / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس قهرمی، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات باگزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ باگزیده‌هایی از بیانات / مکتب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.